کارگران همه کشورها متحد شوید!


نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۵۰، ۲۲ شهریور ماه ۱۴۰۰


## خواست بی‌درنگ پرستاران: امنیت شغلی، افزایش دستمزد، و واکسیناسیون همگانی و رایگان

اخبار ناگواری که در تابستان امسال در صدر خبرها دربارهٔ وضع بهداشت و درمان مردم میهن‌مان بوده‌اند عبارتند از: سیر صعودی شمار مبتلایان به ویروس کرونا، افزایش تعداد جان باختگان در اثر ابتلا به این ویروس، تکمیل شدن ظرفیت بیمارستان‌ها، نگرانی از احتمال شروع موج ششم همه گیری، بستری و تحت مراقبت قرار گرفتن بسیاری از کارکنان شاغل در بیمارستان‌ها، کمبود دارو و رونق بازار سیاه دارو، ناکارآمدی مسئولان کشور در مهار کرونا، تزریق قطره‌چکانی واکسن، و از همه مهم‌تر، خستگی و فرسودگی کادر پزشکی و پرستاری و کمبود کادر پرستاری در سطح تمام کشور! تمامی مدیران بیمارستان‌ها، بدون استثنا، دربارهٔ فروپاشی کادر درمان، نظام سلامت و بخش درمان که در مرز شکنندگی قرار دارند هشدار داده‌اند.

همان‌طور که در آغاز همه‌گیری گسترش ابتلای به ویروس کرونا در کشور،

ادامه در صفحه ۳

## با تشدید مبارزه و اتحادعمل فراگیر با سیاست‌های دولت رئیسی مقابله کنیم!

### خیز بنیادهای انگلی برای دستبرد به منافع کارگران و زحمتکشان

انتشار فهرست وزیران پیشنهادی ابراهیم رئیسی و سپس رأی اعتماد مجلس به‌این وزیران نقطه آغاز فعالیت رسمی دولت سیزدهم و اجرای برنامه‌هایی است که ازسوی برگماردگان ولی‌فقیه تا کنون ارائه شده است. نگاهی حتی گذرا به‌پیشینه وزیران و برنامه‌های آنان گویای تسلط تام و تمام بنیادهای انگلی و گروه‌بندی‌های سیاسی- اقتصادی رانت‌خوار بر این کابینه است. همچنین گفتنی‌است که برخلاف تبلیغات دوران انتخابات، دولت رئیسی فراجناحی نیست و کشمکش میان گروه‌بندی‌های حاکم ازهمان لحظه معرفی وزیران و گرفتن رأی اعتماد تشدید شد و سهم‌خواهی مرتجعان آشکار گردید. معاون اول رئیس جمهور که شخصاً مورد اعتماد علی خامنه‌ای است و شماری دیگر از اعضای دولت گماشتگان بنیادهای انگلی بوده‌اند و کارنامه‌شان سیاهه‌ای از اعمال و اجرای برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به‌شدت واپس‌گرایانه است. ازاین روی، آغاز فعالیت دولت رئیسی پس از رأی اعتماد مجلس آن‌هم در اوضاع بحرانی کنونی، نسبت به آینده کشور و حقوق توده‌های مردم به‌ویژه طبقه کارگر و

ادامه در صفحه ۲

## چرا رهبران تشکل‌های زرد حکومتی از وزیر جدید کار حمایت کردند؟

ابراهیم رئیسی در جریان تبلیغات انتخاباتی‌اش با حضور در اتاق بازرگانی دیدگاه‌های ضد کارگری‌اش را آشکار کرده بود. با این وصف رهبران تشکل‌های زرد حکومتی از وزیر پیشنهادی او برای وزارت کار استقبال کردند. حجت‌الله عبدالملکی- وزیر پیشنهادی- قبل از تأیید صلاحیت در مقام وزیر کار از سوی مجلس، به‌اصطلاح اصلاح "قانون کار"، منطقه‌ای کردن "حداقل دستمزد" کارگران، "ایجاد فرصت بیمه برای مشاغل ناقص با درآمد کمتر از مصوبه شورای عالی کار" (یعنی قانونی کردن"مزد توافقی") را خواستار شده بود و وعدهٔ "اصلاحات پارامتریک بیمه‌ای در سازمان تأمین اجتماعی" را داده بود. با وجود داشتن چنین دیدگاه‌هایی ضد کارگری، چرا رهبران هر سه تشکل زرد حکومتی از عبدالملکی حمایت کردند؟

عبدالملکی، با حمایت کامل رئیسی، در هفتهٔ اول کار وزارتش یورشی گسترده را به حقوق کارگران و اموال آنان در سازمان تأمین اجتماعی آغاز کرد. عبدالملکی در گفتگوهایی با شبکهٔ دو سیما و خبرگزاری ایلنا، ۱۰ و ۱۱ شهریورماه، علاوه بر اینکه روی مقررات‌زدایی در "حوزه‌های مختلف" اصرار کرد، "مهارت" زحمتکشان را "یکی از حلقه‌های مفقودهٔ زنجیرهٔ ارزش" و دلیل "بخش اعظمی از مشکل بیکاری" اعلام کرد. به‌عبارت‌دیگر، خواست اتاق بازرگانی و شخص خودش به‌منظور احیای شیوهٔ برده‌داری "استاد-شاگردی" در مورد اشتغال کارگران و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را توجیه و زمینه‌سازی کرد. در حالی که ۴ میلیون تومان دریافتی کارگران در بهترین حالت یک‌سوم خط فقر حداقل ۱۲ میلیون تومانی در ماه است، عبدالملکی به‌جای ترمیم دستمزد کارگران پیشنهاد فانتزی "کنترل تورم برای بهبود معیشت" می‌دهد و نگرانی‌اش صرفاً "آسیب" دیدن کارفرمایان است چون بنا به‌گفتهٔ او: "دستمزد را نمی‌توان به‌راحتی افزایش داد... بخش قابل‌توجهی از هزینه‌های کارفرمایان همین حقوق و دستمزد است" [!]. فرشید یزدانی، کارشناس حوزه رفاه و تأمین اجتماعی، مهم‌ترین موانع تولید را علاوه بر واردات لگام‌گسیختهٔ محصولات مشابه تولید داخلی، "ناکارآمدی مدیریت در حوزه صنایع" و "تأمین مالی" دانست و به خبرگزاری ایلنا، ۱۵ شهریورماه، گفت: "هزینه‌های بیمه نیروی کار نسبت به کل هزینه‌های فعالیت‌های صنعتی ما چیزی کمتر از ۳ درصد است." یزدانی در ادامه گفت: "تأمین اجتماعی برای پرداخت تعهدات خود بالای ۷۰ هزار میلیارد تومان از بانک قرض گرفته است." عبدالملکی در شرایطی "تعامل بین وزارتخانه‌ها" برای "مانع‌زدایی از تولید" را "حائز اهمیت" اعلام می‌کند که رژیم فاسد ولایی بدهی کلانش به سازمان تأمین اجتماعی را پرداخت نمی‌کند و سازمان را در وضعیتی بحرانی قرار داده است. بدین ترتیب هدف این عنصر ارتجاعی در هفتهٔ اول وزارتش نابود کردن سازمان تأمین اجتماعی است. این که رهبران تشکل‌های زرد حکومتی "حجره‌ای" در ساختمان وزارت کار دارند یک واقعیت

ادامه در صفحه ۳

**پیش به‌سوی سازمان‌دهیِ مبارزه منسجم و سراسریِ کارگران و زحمتکشان بر ضدِ ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، سرکوبِ حقوق صنفیِ و برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری!**

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران



## ادامهٔ با تشدید مبارزه و اتحادعمل ...

زحمتکشان موجی از نگرانی را برانگیخته است.

بی‌دلیل نبود که در آستانه دادن رأی اعتماد مجلس به وزیران پیشنهادی، روزنامه "جهان صنعت" که آراء و نظرات بخش‌هایی از صاحبان ثروت و سرمایه و لایه‌هایی معین از طبقه سرمایه‌دار کشور را بازتاب می‌دهد، با ابراز نگرانی پرسشی را با این عنوان: "تکرار دولت احمدی‌نژاد!؟" مطرح کرده و با اشاره به اسامی وزیران، ازجمله نوشت: "اسامی آشنایی وجوددارد که در دولت احمدی‌نژاد نیز سمت داشته و فعال بوده‌اند. به‌همین منظور برخی این دولت را دنباله‌رو و ادامه دولت‌های نهم و دهم احمدی‌نژاد می‌دانند و با نگاهی به گزینه‌های فوق می‌توان به صراحت این ادعا را تأیید کرد" [روزنامه جهان صنعت، ۲۴ مرداد ماه ۱۴۰۰]. چنین واکنش‌هایی تنها محدود به‌برخی صاحبان سرمایه و صنعتگران و قشر فوقانی لایه‌های میانه‌حال جامعه محدود نمی‌شود، بلکه تهی‌دستان جامعه و در رأس آنان کارگران و زحمتکشان نیز نه‌تنها با تلخی و نگرانی بسیار بلکه با خشم و انزجار به دولت رئیسی و برنامه‌های تا کنون انتشار و اعلام شده‌اش می‌نگرند. حجت عبدالملکی، وزیر کار، که از او به‌عنوان جوان‌ترین عضو هیئت دولت نام می‌برند، یکی از چهره‌های بسیار خطرناک کارگرستیز و از طراحان سیاست‌های صدقه‌ای و خیریه‌ای است. عبدالملکی دست‌پرورده هیئت مؤتلفه و برگمارده ولی فقیه است. برنامه و کارنامه او نشان می‌دهد در مسائل خطیر مانند روابط کارگر و کارفرما صرفاً ازنقطه نظر "توافق و تراضی" شرعی موضوع را ارزیابی می‌کند. او هنگام معرفی برنامه‌های خود در مجلس بر "الگوی اشتغال کمیته امداد" برای رفع معضل‌های کنونی نظیر بیکاری و امنیت شغلی کارگران پای فشرد. عبدالملکی در مهرماه سال گذشته از سوی ولی فقیه به‌عنوان یکی از اعضای هیئت امنای کمیته امداد منصوب شد. او از سال ۱۳۹۶ معاون اشتغال کمیته امداد بوده است. ارتباط‌های او با اتاق بازرگانی و چند مؤسسه خیریه حکومتی بر کسی پوشیده نیست. عبدالملکی روابطی تنگاتنگ با مؤسسه نذر اشتغال امام‌حسین اصفهان دارد. این همان خیریه حکومتی رانت‌خواری است که طی دو سال گذشته فعالیت پر تب و تابی برای حذف قانون کار و رواج مزد توافقی داشته است. علاوه براین، عبدالملکی از طریق اتاق بازرگانی تبریز با مؤسسه خیرین سلامت آذربایجان رابطه دارد. این خیریه نیز مانند همتای اصفهانی‌اش از مروجان آزادسازی مزد و برقراری مزد توافقی یا منطقه‌ای است. بی‌دلیل نیست که در برنامه پیشنهادی او به مجلس برای رأی اعتماد هیچ اشاره‌ای به حقوق کارگر و حقوق بنیادین کار به‌چشم نمی‌خورد. وزیر جدید کار در گفتگوی ویژهٔ خبری شبکهٔ دو سیما که خبرگزاری ایلنا، ۱۰ شهریورماه امسال، آن را منتشر کرد به‌دفاع تمام عیار از کارفرمایان پرداخت و مسئلهٔ کاهش هزینه‌های آنان را اولویت خود معرفی کرد.

درکنار وزیر جدید کار بی‌فایده نخواهدبود به وزیر اقتصاد نیز اشاره کنیم. زیرا این وزیران ازجمله در مسائل مربوط به کارگران و زحمتکشان و در شورای عالی کار نقش و تأثیر دارند. وزیر اقتصاد دولت رئیسی از هواداران شناورسازی ارز و کوچک‌سازی دولت یعنی خصوصی‌سازی و آزادسازی ارز است. او عضو هیئت مدیره دیدبان شفافیت و عدالت است که یک بنیاد خصوصی به‌شدت واپس‌گرا و مدافع اجرای نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری با یاری‌گرفتن از اقتصاد صدقه‌ای و خیریه‌ای است. بد نیست بدانیم بنیاد خصوصی دیدبان شفافیت و عدالت از سوی احمد توکلی معلوم‌الحال تأسیس شده است که برای توصیف دیدگاه‌های ارتجاعی این چهره به توضیحات زیادی نیاز نیست.

به‌این ترتیب بی‌دلیل نبوده است که در آستانه فعالیت رسمی دولت و آغاز به‌کار وزارتخانه‌ها، مسئله مزد توافقی، مزد منطقه‌ای و احیای طرح استاد-شاگردی بار دیگر مطرح می‌شود و واکنش مبارزان و فعالان راستین سندیکایی را برمی‌انگیزد. این واکنش‌ها بی‌اساس نیستند. اگر با چشم نکته‌بین به آنچه تاکنون رئیسی و وزیران دولتش اعلام کرده‌اند بنگریم و در سطح پدیده‌ها نلغزیم، می‌توانیم سیمای برنامه‌های به‌شدت واپس‌گرایانه، ضدکارگری، و ضد ملی برنامه‌های‌شان را مشاهده کنیم. رئیسی در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت، ۲۵ مردادماه ۱۴۰۰، به‌مسئله دستمزد و شکاف هزینه- مزد پرداخت. او اعلام کرد نرخ تورم با حقوق مردم ارتباط مستقیم دارد و اختلاف موجود در این رابطه موجب تضییع حق‌الناس است. به‌این جمله باید با دقت نگاه کنیم. دراین عبارت سخنی از مزد کارگر نیست و واژه‌هایی مانند حق‌الناس و حقوق مردم در آن برجسته است. دراینجا ما با موضع‌گیری‌ای به‌سود حقوق کارگران و ترمیم دستمزد روبرو نیستیم و نباید فریب این نوع تبلیغات را خورد.

دولت احمدی‌نژاد نیز در این‌گونه موارد با سروصدای بسیار موضع‌گیری می‌کرد، اما در عمل اقتصاد را زیر تیغ جراحی آش و لاش می‌کرد که پیامدش فقر و فلاکت گسترده کنونی بوده است. آنچه رئیسی مطرح می‌سازد در حقیقت بیان روشی شناخته‌شده است که در بنیادهای انگلی ازجمله آستان قدس رضوی و کمیته امداد خمینی رواج دارد. علاوه بر این، ابراهیم رئیسی در جریان جلسه ستاد هماهنگی اقتصاد دولت دستورالعمل‌هایی را صادر کرده است که چند مورد آن با موضوع حقوق زحمتکشان، مطالبه و منافع طبقه کارگر ارتباطی ژرف دارد. در یکی از این دستورالعمل‌ها در خصوص بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی، ابراهیم رئیسی خواهان نه‌پرداخت بدهی‌های دولت بلکه فقط "شفاف‌شدن" بدهی دولت به تأمین اجتماعی بوده است. درحقیقت هیچ سخنی از میزان بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی و مطالبه به‌حق کارگران یعنی پرداخت بدهی‌ها درمیان نیست. رئیس جمهور برگمارده ولی فقیه دستوالعمل دیگری نیز صادر کرده است. او با نگاهی به ادامه اجرای برنامه ضدملی خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی اعلام می‌کند: "کاهش هزینه‌ها به‌صورت جدی در دستور کار قرار گیرد و در هزینه‌ها بازبینی صورت گیرد." اما اشاره نمی‌کند که منظور او کدام هزینه‌هاست؟ هزینه‌های بنیادهای انگلی؟ هزینه مراکز و مؤسسه‌های مذهبی حکومتی یا هزینه‌های دیگر؟ آیا هم‌زمانی ابلاغ دستورالعمل کاهش هزینه‌ها با زمزمه اجرای مزد توافقی، اصلاح قانون کار، و طرح دوبارهٔ استاد-شاگردی رابطه‌ای وجود ندارد؟ آیا دولت سیزدهم دستمزد کارگران را بخشی از هزینه‌هایی می‌بیند که باید در آن‌ها بازبینی شده و به‌زعم عناصری مانند وزیر کار و معاون اول رئیس‌جمهور هزینه‌های کارفرما با تراضی طرفین کاهش یابند؟ همین چندروز پیش بود که معاون رئیس جمهور کاهش هزینه‌های کارفرما و حتی قطع سهم حق بیمه کارفرما به کارگر را خواستار شده بود. پرسش مهم‌تر اینکه، چرا هم‌زمان با ابلاغ دستورالعمل‌های ابراهیم رئیسی درجلسه ستاد هماهنگی دولت، کمیسیون برنامه و بودجه مجلس از زبان یکی از اعضای مؤثر خود تأکید می‌کند بحث حقوق و دستمزد یکی از چالش‌های جدی دولت سیزدهم می‌شود؟ به‌این ترتیب ما با برنامه‌ای مدون به‌منظور یورش به حقوق و منافع طبقه کارگر و زحمتکشان با محوریت دولت سیزدهم روبه‌رو هستیم. با گذشت زمان البته نه زمان طولانی ما می‌توانیم به‌این پرسش پاسخ مثبت دهیم که مفهوم دستورالعمل‌های رئیسی برای کاهش هزینه‌ها و دستورالعمل‌هایی نظیر آن تا حد زیادی به دستمزد کارگران و کارمندان و آماده‌سازی بستر برای اجرای برنامهٔ آزادسازی مزد مربوط است. به فاصلهٔ اندکی پس از آغاز به کار وزیر جدید کار طرح حذف بیمه‌پردازی واحدهای تولیدی به سازمان تأمین اجتماعی دقیقاً مانند الگوی اشتغال کمیتهٔ امداد خمینی پیش کشیده شده است. از هم‌اکنون به‌نام استقلال سازمان تأمین اجتماعی در پی حذف مسئولیت تضامنی دولت در قبال صندوق تأمین اجتماعی هستند.

از یاد نبریم که بخشی مهم از برنامه تعدیل ساختاری که اتفاقاً در برنامه اقتصاد مقاومتی ولی فقیه گنجانده شده، موضوع آزادسازی اقتصادی و به‌موازات آن آزادسازی قیمت‌ها و آزادسازی مزد است. دولت رئیسی مسئولیت انجام این وظیفه را در دوران بحرانی کنونی با پوششی از عوام‌فریبی و روش‌هایی صدقه‌ای و خیریه‌ای برعهده دارد. نباید تردید داشت که در هفته‌های آینده به‌موازات تشدید بحران و تلاش حکومت جمهوری اسلامی همراه با هدایت ولی فقیه برای حل مناقشه هسته‌ای و ترمیم رابطه با امپریالیسم در چارچوب سیاست حفظ نظام، بار فشار بحران هرچه بیشتر بردوش تهیدستان جامعه به‌ویژه طبقه کارگر و زحمتکشان گذاشته خواهد شد. یورش و دستبرد به شستا و دارایی‌های سازمان تأمین اجتماعی بُعدهایی گسترده‌تر خواهند یافت. با دولت رئیسی و هدایت ولی فقیه بخشی از هزینه‌های بنیادهای انگلی از جیب توده‌های تهیدست جامعه پرداخت خواهد شد. انباشت سرمایه به‌بهای فقر بیشتر اکثر آحاد جامعه تمام می‌شود، و بحران سیاسی- اقتصادی و اجتماعی هم با انداختن بار گران این بحران بر دوش طبقه کارگر، زحمتکشان شهر و روستا، دهقانان تهیدست و میانه‌حال، تولیدکنندگان خرد و قشرهای زیرین لایه‌های میانه‌حال تدبیر خواهد شد. بی‌تردید یورش به‌حقوق کارگران ادامه خواهد یافت و از هم‌اکنون باید فشارهایی بیشتر به‌منظور غارت باقی‌مانده حقوق کارگران و زحمتکشان را منتظر باشیم. در چنین

ادامه در صفحه ۳

نامه مردم
ضمیمه اتحادی
ارگان مرکزی حزب توده ایران



## ادامهٔ چرا رهبران تشکل های ...

است. اکثر این رهبران به‌طریقی رانتی دریافت می‌کنند. برای نمونه، حسن صادقی، معاون دبیرکل خانه کارگر به‌اصطلاح "مشاور در امور کارگری" وزیر سابق صمت هم بود. یا مثلاً رئیس به‌اصطلاح "اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی" روز ۸ شهریورماه، ارائه "یارانه بیمه کارگران مختص کارفرمایان" به‌وسیلهٔ عبدالملکی را "نوعی طرح تشویقی" خواند و در مورد این طرح به ایسنا گفت: "می‌تواند طرح بسیار خوبی باشد و قطعاً مورد استقبال قرار خواهد گرفت." در شرایطی که بازنشستگان کارگری بعد از برگزاری ماه‌ها تجمع‌های گستردهٔ سراسری و تحمل اجرای دو دور "همسان‌سازی" مستمری‌شان را به حدود ۴ میلیون تومان یعنی در بهترین حالت به یک‌سوم خط فقر رساندند و اکنون به مبارزه‌شان به‌منظور "دائمی" کردن "همسان‌سازی- یعنی درواقع متناسب‌سازی" ادامه می‌دهند، یک عضو هیئت‌مدیره کانون‌های شوراهای اسلامی کار به ایلنا، ۳۰ مردادماه ۱۴۰۰، گفت: "تشکل‌های کارگری مسیر این تجمعات را هدایت می‌کردند... ما در آن زمان در رابطه با همسان‌سازی کنار آمدیم... به‌خاطر وضع بد اقتصاد مملکت و وضعیت بد بودجه با همین مدل همسان‌سازی کنار آمدیم." رهبران تشکل‌های زرد حکومتی برای حفظ موقعیت‌شان با تمام وزیران کار رژیم "کنار" آمده‌اند و کنار خواهند آمد. بنابراین، حفظ موقعیت مالی، دریافت رانت، و ارتباط با نهادهای امنیتی دلیل حمایت رهبران تشکل‌های زرد حکومتی از دولت‌ها و وزیران کار مختلف است.

## زحمتکشان برای تأمین امنیت شغلی و تبدیل قراردادهای موقت به دائمی مبارزه می‌کنند

با رشد و گسترش اعتراض‌ها و اعتصاب‌های زحمتکشان در صنایع نفت، درمان، آموزش‌وپرورش، و کارگران شهرداری‌ها برای دستیابی به دستمزدهای معوقه و بر ضد تبعیض گسترده در رژیم فاسد ولایی، کارگزاران رژیم در ضمن بی‌اعتنایی و پاسخ ندادن به خواست زحمتکشان، در هراس از نیروی مردم به‌خاطر تضمین بقای "نظام" راه را در تشدید سرکوب و سپس تبعیض می‌بینند. برای نمونه، بنا بر گزارش‌های رسانه‌ها، صدها "کارنامه سبز آموزش‌وپرورش" و "پذیرفته‌نشدگان آزمون استخدامی آموزشیاران نهضت سوادآموزی" در ادامه اعتراض‌های‌شان، با سفر در روزهای ۱۳ تا ۱۵ شهریورماه از استان‌های مختلف به تهران و سپری کردن شب‌ها در خیابان‌های تهران، در برابر مجلس و وزارت آموزش‌وپرورش تجمع‌هایی اعتراضی برپا کردند. کارنامه سبزها که در تجمع‌های اردیبهشت‌ماه‌شان ۹ شب را در خیابان‌های تهران سپری کردند کسانی بودند که در امتحان کتبی آموزش‌وپرورش "نمره قبولی آورده‌اند"، اما با وصف اینکه "بسیاری از مشمولان با نمرات بسیار پایین‌تر قبول شده‌اند"، کارنامه سبزها در مصاحبه‌های شفاهی رد شده‌اند. قرار بود این آزمون تحمیل شده با حد نصاب نمرهٔ قبولی ۳۵، صرفاً برای حدود ۳۰۰۰ آموزشیار نهضت سوادآموزی اکثراً زنان سرپرست خانوار با سابقه‌های کار "۱۰ تا ۱۵ ساله" باشد، کارگزاران رژیم با "ادغام نیروهای طرح امین و مربیان قرآنی" در آزمون و قرار دادن حد نصاب نمرهٔ قبولی آن‌ها به ۲۰، همهٔ طرح امینی‌ها و معلمان قرآنی‌ها را قبول کردند.

معاون امور اقتصادی استاندار مرکزی روز ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ بعد از سال‌ها مبارزهٔ تحسین‌برانگیز کارگران هپکو بر ضد خصوصی‌سازی و به‌منظور بازگشت این شرکت به کنترل دولت، از "قطعی شدن واگذاری شرکت 'هپکو' به دولت" خبر داد. اما دولت در روز ۲۳ تیرماه ۱۳۹۹ واگذاری سهام هپکو در اختیار "سازمان خصوصی‌سازی" به "سازمان تأمین اجتماعی" را تصویب کرد. مدیران فاسد رژیم در هپکو مبلغ ۱۲۰۰ میلیارد تومان بدهی بانکی بالا آورده بودند و قرار بود این بدهی از محل اعتبارات وزارت کار پرداخت شود. بابت بدهی ۱۲۰۰ میلیارد تومانی این شرکت، چندین سال متوالی حساب‌های بانکی هپکو قفل شده بود. بعد از ماه‌ها مبارزات کارگران هپکو در اراک و تهران درنهایت روز ۴ اسفندماه ۱۳۹۹ وزیر کار از "تصویب تهاتر بدهی هپکو به بانک‌ها با بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی در جلسه هیئت دولت" خبر داد. قرار بود بعد از رفع مشکل بدهی هپکو به بانک‌ها، تولید در شرکت رونق بگیرد، اما با واردات لگام‌گسیخته از خارج، بنا به گزارش ایلنا ، ۹ شهریورماه ۱۴۰۰، "هنوز تولید در هپکو رونق نگرفته" است. کارگران "سیم‌بان" که به‌صورت شرکتی و حجمی در شرکت توزیع برق کشور مشغول کارند، با برگزاری کارزاری در روز ۱۶ مردادماه سال جاری، تبدیل وضعیت شغلی‌شان را از وزیر نیرو خواستار شدند. حدود ۲۰۰۰ سیم‌بان پیمانکاری در خطوط گرم و سرد و در شرایط بحرانی‌ای مانند سیل، زلزله، توفان، برف و جز این‌ها، نخستین نیروهایی‌اند که با صعود به ارتفاع‌هایی بالای ۹ متر خدمات ضروری و اضطراری ارائه می‌دهند. سیم‌بانان پیمانی با دریافت حداقل حقوق از "بسیاری از مزایای قانونی، عرفی و رفاهی به نسبت همکاران رسمی" شان محروم هستند.کارگران سیم‌بان در روز ۲۵ مردادماه ۱۴۰۰ خواستار تشکیل "نهاد صنفی برای پیگیری مطالبات خود شدند." این کارگران که زیر مسئولیت "چندین پیمانکار مشغول کارند" به ایلنا گفتند: "سال‌هاست که کارگران خط گرم و سرد پیمانکاری پیگیر اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل‌شان هستند. بنا به‌آمار رسمی، در حال حاضر ۲۰ مدل قراردادی با ۲۰ سطح مزدی متنوع در کشور رواج دارند. از فرهنگیان تا کارگران هپکو و کارگران توانیر خواستار لغو انواع قراردادهای موقت و امضای قراردادهایی دائمی‌اند. به تبعیض و بهره‌کشی نظام فاسد ولایی با مبارزه‌ای متحد و پیگیر باید پایان داد.

## ادامهٔ با تشدید مبارزه و

اوضاعی باید با طرح‌ها و اقدام‌های تفرقه افکنانه قاطعانه مقابله کرد. هیچ نهادی نمی‌تواند جایگزین سازمان سندیکایی شود. همچنین هیچ شعار و طرحی نمی‌تواند ضرورت احیای حقوق سندیکایی را کتمان کند. تشکیل به‌اصطلاح مجمع عمومی به‌جای احیای حقوق سندیکایی و تشکل کارگران در سندیکاها چه بخواهیم و چه نخواهیم، مستقیم یا غیر مستقیم، حرکت در محدوده‌ها و پشت خط قرمزهای رژیم ولایت فقیه در امور و مسائل کارگری است. جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی در این مرحله حساس جز تشدید مبارزه بر پایه اتحادعمل فراگیر و استقلال عمل طبقاتی و بهره‌گیری خلاقانه و منطبق با ظرفیت توده‌های کارگر از سلاح کارآمد اعتصاب راه دیگری ندارند. باید با همه توان به‌صورت متحد به‌مقابله با یورش واپس‌گرایان به حقوق و منافع طبقه کارگر برخیزیم. اتحادعمل، دوری از تفرقه، استقلال عمل طبقاتی، و تأکید بر احیای حقوق سندیکایی همراه با مبارزه متشکل، جزو وظیفه درنگ‌ناپذیر در این مرحله حساس است.

## ادامهٔ خواست بی‌درنگ پرستاران:

مقام‌ها و مسئولان ریزودرشت نظام- با وجود آگاهی از خطر جدی آن برای جان مردم- از اطلاع‌رسانی دقیق و اعمال محدودیت‌ها برای کنترل آن جلوگیری کردند، برای پیشگیری و درمان آن هم تاکنون اقدامی جدی و مؤثر انجام نداده‌اند. موضع‌گیری خائنانهٔ علی خامنه‌ای در خصوص واکسن‌های موجود نخستین و اصلی‌ترین دلیل میزان بالای مرگ‌ومیر ناشی از کرونا بوده است و حتا در صورت ارادهٔ رژیم برای جبران مافات و اقدام به مهار این ویروس مرگبار از انجام آن ناتوان ماند. تاوان این سیاست و موضع‌گیری را مردم و کادر درمان به‌ویژه پرستاران زحمتکش پرداخته‌اند و همچنان می‌پردازند.

با توجه به گزارش‌های اعلام شده در رسانه‌های رسمی کشور، عزمی راسخ و مؤثر در مبارزه با بحران کووید ۱۹ و برداشتن فشار روانی و جسمانی از دوش پرستاران زحمتکش دیده نمی‌شود. معوقات و حق‌الزحمه‌های مالی پرسنل بهداشت کشور ماه‌هاست که پرداخت نشده‌اند و تبعیض مزدی قائل شدن در بین کادر درمان نیز همچنان ادامه دارد. خواست پرستاران، هم‌زمان با اعتراض به پائین بودن دستمزدها و دریافت نکردن معوقات مزدی‌شان، برطرف ساختن مشکل کمبود نیروی پرستاری است. کمبود نیروی انسانی پرستاران مهم‌ترین معضل فعالان صنفی بخش بهداشت است. تأکید بر افزایش تعداد پرستاران شاغل، حذف قراردادهای موقت به‌ویژه الغای کامل و قطعی قراردادهای ۴۵ روزه، و پرداخت کارانهٔ پرستاری‌شان از جمله خواست‌های به‌حق آنان است. باید یادآور شد که در سال‌های اخیر پرستاران توقف خصوصی سازی بخش بهداشت و درمان کشور را همواره خواستار بوده‌اند. هم‌اکنون پرستاران علاوه بر مبارزه با خصوصی سازی، واکسیناسیون همگانی و رایگان را نیز خواهان‌اند. جذب نیروی متخصص و کارآزموده پرستار و کاستن از فشار جسمی و روحی وارده بر وجود این انسان‌های زحمتکش و تأمین امنیت شغلی‌شان با شعارها و وعده‌های بی‌پایه و نصیحت و دعوت به انجام امر خیر میسر نمی‌شود. تجربه ثابت می‌کند حکومت جمهوری اسلامی بنا به‌ماهیتش نه توان آن را دارد و نه مایل به برآورده کردن مطالبه‌های پرستاران است. باید برای دست‌یابی به افزایش دستمزد، امنیت شغلی، و دیگر خواست‌های به‌حقی که تا کنون از سوی این رژیم یا با بی‌اعتنایی کامل یا سرکوب و بازداشت روبرو بوده‌اند به مبارزه‌ای منسجم و با تمام نیرو همراه با اتحاد و همبستگی باید ادامه داد.

# اعتصاب لوکوموتیورانان راه‌آهن آلمان و اهمیت اتحاد عمل سندیکاهای کارگری!

سندیکای لوکوموتیورانان آلمان پس از بحث و بررسی‌هایی جمعی، سازمان‌دهی اعتصاب به‌منظور تأمین خواست‌های کارکنان را با رأی بیش از ۹۵ درصد اعضایش تصویب کرد. سندیکای رانندگان لکوموتیو آلمان (گ. د.ل) با از هم پاشیدن و تجزیه کردن راه‌آهن آلمان موافق نیست، این سندیکا با مبارزه‌اش از امنیت شغلی ده‌ها هزار کارگر دفاع می‌کند. در ارتباط با این اعتصاب حزب کمونیست آلمان بیانیه‌ای منتشر کرد و ضمن حمایت از مبارزه و اعتصاب سندیکای رانندگان لکوموتیو (گ.د.ل) بر اتحاد عمل جنبش سندیکایی زحمتکشان و دوری از تفرقه تأکید کرده است. در بخش‌هایی از این بیانیه چنین آمده است:

سندیکای رانندگان لکوموتیو آلمان، کارگران را به اعتصاب فرامی‌خواند و نودوپنج درصد اعضایش با این فراخوان موافقت کرده‌اند. این واقعه آشکارا نشان داد که سندیکای رانندگان لکوموتیو آلمان با زنان و مردان کارگر در بخش راه‌آهن ارتباطی مستحکم دارد. مطابق داده‌ها، حدود هفتاد درصد رانندگان لکوموتیو شاغل در راه‌آهن آلمان در سندیکای رانندگان لکوموتیو (گ. د. ل) سازمان‌دهی شده‌اند. آنان مانند خلبانان یا کنترل کنندگان ترافیک هوایی، از معدود گروه‌های شغلی‌اند که گروهی کوچک در شرکت‌های بزرگ اما از موقعیتی پرقدرت برخوردارند.

در حال حاضر راه‌آهن آلمان با معضل جذب و استخدام کارگران جدید در این رشته روبرو است. در برابر این وضعیت، راه‌آهن آلمان با انتقال فشارهای ناشی از بحران به دوش کارگران با خواست‌های به‌حق آنان برای افزایش دستمزد و ارتقای شرایط محیط کار به سطحی مناسب‌تر مخالفت می‌کند.

یکی از مهم‌ترین خواست‌های کارگران راه‌آهن روشن شدن دلیل پرداخت حقوق‌های نجومی به هیئت‌مدیره راه‌آهن آلمان و از این طریق پر کردن جیب‌شان است. هیئت‌مدیره راه‌آهن آلمان مسئول این رسوایی‌ها و به‌وجود آوردن شکافی عظیم در پرداخت دستمزدها است. سرمایه‌داران و سهام‌داران راه‌آهن و دولت آلمان پنج سال پس از سپری شدن زمان قانون مذاکرات جمعی دوباره به آن استناد می‌کنند. در گذشته و پیش از اجرای این قانون کذایی امکان مذاکره و امضای قراردادهای مزدی با سندیکاها وجود داشت. هیئت‌مدیره راه‌آهن آلمان با بی‌اعتنایی به سندیکاهای کارگری درواقع خودش را همچون کارگزار سهام‌داران راه‌آهن نشان می‌دهد.

در به‌وخامت کشاندن وضعیت راه‌آهن آلمان در کنار حزب سبز آلمان دو حزب سوسیال‌دمکرات و دمکرات مسیحی مسئول هستند، زیرا آن‌ها راه‌آهن ملی و دولتی آلمان را خصوصی کردند و از سال ۱۹۹۴/ ۱۳۷۳ و آن را در اختیار یک شرکت سهامی گذاشتند. حزب‌های دمکرات مسیحی و سوسیال‌دمکرات با استفاده از " قانون مذاکرات جمعی" در حکم ابزاری نفاق‌افکن توانستند بین کارگران تفرقه بیندازند. اکنون آن‌ها می‌خواهند با این اقدام در این عرصه تجربه بیشتری کسب کنند و به خود می‌گویند کجا بهتر از صنعت راه‌آهن؟ این دقیقاً همان اتفاق ناگواری است که قبلاً منتقدان "قانون مذاکرات جمعی " در مورد آن هشدار می‌دادند.

ضرورت تام دارد که "اتحادیه راه‌آهن و حمل‌ونقل" ("ای. و. گ") و "سندیکای رانندگان لکوموتیو آلمان" ("گ. د. ل") با همدیگر تبادل اطلاعات کنند و از اختلاف انداختن و ایجاد شکاف بین طبقه کارگر مانع شوند. این امر مهم را فقط با همبستگی و مانع شدن از تعمیق چالش‌ها بر سر راه طبقه کارگر می‌توان به‌پیش برد. ما خواهان از میان برداشته شدن "قانون مذاکرات جمعی" هستیم. قانون مذاکرات جمعی آلمان به‌این معنا است که برای همه کارگرانی که در شاخه‌ها و رشته‌های گوناگون و در اتحادیه‌های مختلف عضو هستند تنها یک قرارداد قابلیت اجرا دارد و به توافق‌نامه‌های انجام شده میان کارفرما و اتحادیه‌های کارگری اعتنایی نمی‌کند.

اسن، ۱۲ اوت ۲۰۲۱/ ۲۱ مردادماه ۱۴۰۰- اسن، آلمان.

[به‌نقل و ترجمه از: روزنامه "عصر ما"، نشریه حزب کمونیست آلمان (د. ک. پ)، ۲۲ مردادماه ۱۴۰۰]

https://www.unsere-zeit.de/erklaerung-der-dkp-zum-streik-der-gdl-159207/

https://www.unsere-zeit.de/gdl-streikt-159142/

13 September 2021

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
004930
23629727

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس پستی:
B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و «ای-میل»
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de